

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

مجله ویژه ماه مبارک رمضان برای کودکان و نوجوانان

چهارم

- مسابقات گوناگون
- شعر و داستان
- بازی و رنگ آمیزی
- جدول و کار دستی
- چیستان و لطیفه
- آموزش احکام





رمضان صائم



مجله بهار قرآن ویژه ماه مبارک رمضان

تهیه توسط گروه فرهنگی تبلیغی هدیه آسمان

” فهرست نامه :

- ۳ کلمات را مرتب کن
- ۴ مهمانی کریم
- ۵ بازی شمارش
- ۶ فاتح خیر
- ۷ راهی به سوی خدا
- ۸ بگرد و پیدا کن
- ۹ مسابقه نعمت شمارک
- ۱۰ سجاده های رنگی
- ۱۱ اولین روزه مرجان
- ۱۲ یادمون باشه
- ۱۳ دعای هزارویک اسم
- ۱۴ دانشمند کوچک
- ۱۵ لطیفه
- ۱۶ بهار قرآن
- ۱۷ رنگ آمیزی
- ۱۸ خاطره اولین روزه
- ۱۹ کاردستی عید.....





بهار دلها



من کدام سوره ام؟

در جزء سی ام قرآن قرار دارم، خداوند در آیه های نخستین ام ۱۱ مرتبه به نعمت های بزرگی که به بندگانش هدیه داده سوگند یاد کرده است.
سوگند به خورشید و تابندگی اش و ...
در آیه های پایانی ام داستان حضرت صالح و سرانجام قوم ثمود آمده است.

سوره ی

شعر روزه

میهمان سفره ی خدا
روزها چقدر سبز و آبی اند
مثل جنگل و نگاه رودها
مثل یک پرندۀ ی رها، دم
می پرد به سوی آبی خدا
میهمان سفره ی خدا شده ام
سفره اش پر است از یگانگی
بوی نان و رحمت و صفا و نور
شکر ایزد و ادای بندگی
با فرشته های خوب و مهربان
غرق روزه و نماز می شویم
چشم می شویم مثل غنچه ها
با اذان صبح باز می شویم
فاطمه ناظری

کلمات را مرتب کن

.....

ن ا ر ق



.....

ر ا ف ط ا



.....

س م ج د



.....

ا د ع

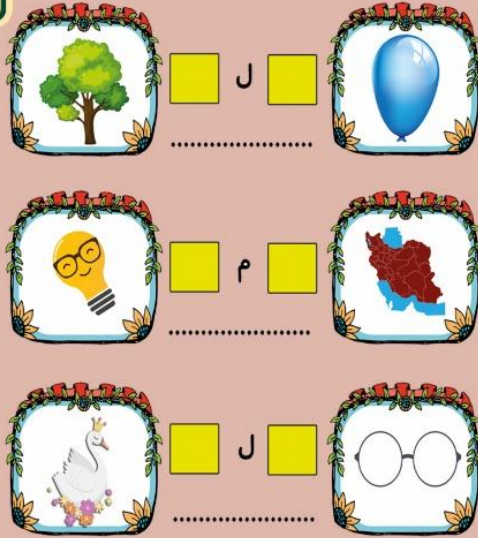


با کلمات به دست آمده یک جمله درباره ماه رمضان بنویس

.....

اسم را پیدا کن!

حرف اول هر کدام از تصاویر را در مربع کنار آن بنویس حالا با استفاده از حروف به دست آمده در هر سطر اسم یک سوره را بنویس.

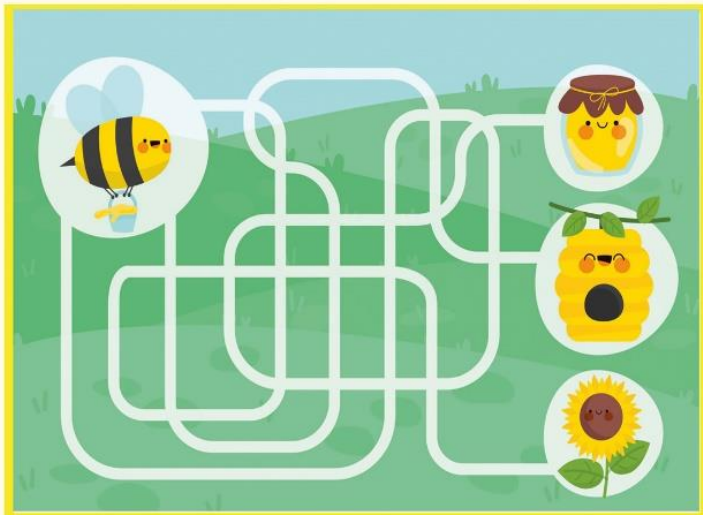


مسابقه



به زنبور در تولید عسل کمک کن

ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلًّا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ



از همه میوه ها و گلها بخور، و سپس به سوی کندو برو، و با استفاده از شهد گلها ماده ای شفا بخش به نام عسل تولید کن.

سوره نحل آیه ۶۹



مهمانی کریم

برای امام حسن علیه السلام، کوچه های مدینه عزیز و دوست داشتنی بود. گاهی راه می افتاد، در کوچه های مدینه می گشت و یاد آن سال هایی می افتاد که همراه جدش پیامبر، در آن کوچه ها قدم می زد. روزی از روزها، امام حسن همان طور که آرام از کوچه ای می گذشت، چشمش به چند پسر بچه ای افتاد که باهم بازی می کردند. بچه ها دور هم نشسته بودند و ظرفی خرما در وسط گذاشته بودند. یکی از بچه ها امام حسن را دید و او را شناخت. رو به دوستانش گفت: امام حسن، فرزند امام علی!، نوه پیامبر! همه به امام حسن نگاه کردند. می دانستند که امام حسن نوه پیامبر مهربانی هاست. و شبیه ترین فرد به پیامبر است. یکی از بچه ها گفت: چه خوب بود پسر پیامبر می آمد و کنار ما می نشست و خرما می خورد. دیگری گفت: خب شاید بیاید. از او بخواهیم که این کار را بکند. سومی گفت: من می روم و از او خواهش می کنم، تا بیاید. پسرک بلند شد، آرام جلو رفت. وقتی به چند قدمی امام حسن علیه السلام رسید، گفت: سلام بر شما ای پسر پیامبر! امام حسن علیه السلام جواب سلام پسرک را به گرمی داد و با لبخند دستی به سرش کشید. پسرک گفت: ای پسر رسول خدا، آیا مهمان ما می شوی و با ما خرما می خوری؟ امام حسن قبول کرد و با پسرک تا کنار دیگر بچه ها رفت، در جمع آن ها نشست بچه ها هم خوشحال بودند. پسر پیامبر هم سفره و هم بازی آن ها شده بود. و با آنها خرما خورده بود. آن ها می توانستند این را برای دوستان خود تعریف کنند. و به آن افتخار کنند. بعد از چند دقیقه امام حسن از جایش بلند شد و رو به پسر بچه ها گفت: حالا شما ها به خانه من بیایید و مهمان من باشید. همگی بلند شدند و همراه امام حسن به خانه ایشان رفتند. امام حسن دستور داد مهمانی با شکوهی برپا کردند. غذای خوشمزه ای پختند. غذا که آماده شد سفره انداختند. امام حسن در کنار بچه ها نشستند و مانند مهمان های بسیار محترم با آن ها رفتار کردند. بچه ها غذایشان را خوردند. وقتی همه سیر شدند، امام حسن علیه السلام به هریک از بچه ها یک دست لباس نو و زیبا دادند. بچه ها از دیدن لباس نو، خوشحالیشان صد برابر شد. همه لباس های نو را پوشیدند. یکی از بچه ها گفت: ای پسر پیامبر! اما فقط به چند دانه خرما، شما را مهمان کردیم؛ ولی شما، به ما غذا و لباس دادید. شما چه بخشنده و مهربانید. امام حسن فرمودند: نه پسر! بخشش شما بیشتر بود. چون دارایی شما فقط همان چند دانه خرما بود، ولی دارایی من بیشتر از این چند لباس و این مقدار غذاست. آن روز بچه ها شاد و خوشحال به خانه هایشان رفتند و خاطره آن مهمانی برای همیشه در خاطرشان زنده ماند.



رنگ آمیزی



بازی شمارش



بشمار و بنویس

تعداد هر کدام از تصاویر را بشمار و در جای مشخص شده بنویس!



فاتح خیبر



هزار نفر از یهودیان در قلعه خیبر جمع شدند تا همگی با هم به مسلمانان حمله کنند. و آن ها را شکست بدهند. فرمانده این یهودیان مردی بود به نام "مرحب خیبری". مرحب سرداری شجاع و زورمند بود. وقتی می خواست به میدان جنگ برود، کلاهخودی فولادی روی سر می گذاشت. تا اگر شمشیر به سرش خورد، سرش زخمی نشود. با این هیبت و زور توانایی به میدان آمد. پیامبر سپاه اسلام را به نزدیک خیبر برد. روز اول، فرماندهی انتخاب کرد و مسلمانان را به او سپرد و به جنگ یهودیان فرستاد. اما قلعه خیبر با آن دیوارهای بلند و آدمی مثل مرحب، نگذاشتند که مسلمانان در جنگ پیروز شوند. سپاه اسلام برگشت. روز دوم، پیامبر فرمانده دیگری انتخاب کرد و مسلمانان را به او سپرد. اما این فرمانده هم نتوانست موفقیتی به دست آورد. و دست خالی برگشت. مسلمانان بار دیگر نا امید شده بودند. گرفتن قلعه خیبر کار هرکسی نبود. دیوارهای آن از سنگ بود. در قلعه، آن قدر بزرگ و سنگین بود که چهل مرد جمع می شدند تا بتوانند آن را باز و بسته کنند. وقتی روز دوم مسلمانان دست خالی برگشتند، همه ناراحت و نگران بودند. پیامبر که نگرانی و ناامیدی مسلمانان را دید، فرمود: «فردا، فرماندهی سپاه را به دست کسی می سپارم که خدا ورسول او را دوست دارند و او هم خدا ورسولش را دوست می دارد».

وقتی پیامبر این سخن را فرمود مسلمانان با خود گفتند: ولی علی که چشم درد گرفته و از رفتن به جهاد معاف شده است. اگر علی بیمار نبود و چشم درد نداشت، خودش به جنگ دشمنان رفته بود. روز بعد، همین که مسلمانان نماز صبح را خواندند، پیامبر کسی را به دنبال علی فرستاد. علی آمد، پیامبر رو به او کرد و فرمود: «یا علی! این پرچم را به دست بگیر و به جنگ دشمنان خدا برو، تا خداوند پیروزت کند.» پیامبر دستش را روی چشم های علی کشید و از خدا خواست که درد را از او دور کند. علی در جلوی سپاه قرار گرفت. همه ی توجه یهودیان به علی بود. چون شنیده بودند که همین علی، عمرو بن عبدود، پهلوان معروف عرب را کشته است. لحظه ای بعد، مرحب با آن هیبت جلوی علی قرار گرفت. علی خودش را حیدر معرفی کرد. مرحب حمله را شروع کرد. بقیه یهودیان هم آماده بودند تا به مرحب کمک کنند.



ولی علی چنان چابک به هر طرف شمشیر می زد و ضربه های مرحب را دفع می کرد که چشم همه از تعجب گرد شده بود. علی نقشه ای در سر داشت. همان طور که با مرحب و دیگر یهودیان می جنگید، آهسته آهسته خود را از حلقه محاصره آن ها خارج کرد و زیر دیوار سنگی قلعه ایستاد. اول، مرحب را مجبور به عقب نشینی کرد و در یک چشم بر هم زدن، آن درعظیم، همان دری را که چهل مرد باید جمع می شدند تا آن را باز و بسته کنند، از جا کند و روی خندقی که جلوی در بود انداخت. حالا دروازه قلعه به روی مسلمانان باز بود. حرکات علی چنان سریع و حیرت انگیز بود که چشم یهودیان خیره مانده بود. در یک لحظه شمشیرش ذو الفقار را بالا برد و با قدرتی عجیب بر سر مرحب کوبید. سر مرحب با آن کلاهخود فولادی شکافته شد. با کشته شدن مرحب، چنان ترسی در یهودیان افتاد که همه پا به فرار گذاشتند.





من کیستم؟



دعایی هستم که امام سجاد هنگام سحر های ماه رمضان مرا می خواند. اگر می خواهی با من آشنا شوی، من در بردارنده صفات خداوند، راه های ارتباط با درگاه الهی، لزوم اطاعت و پیروی از پیامبر و اهل بیت علیهم السلام و ... هستم. اگر بخواهی مرا پیدا کنی به کتاب مفاتیح، بخش اعمال ماه رمضان مراجعه کن.

من دعای..... هستم.

هستم.



راهی به سوی خدا

الهِرَبَّيْتِي فِي نِعْمَاءٍ وَاحْسَانِكَ صَغِيرًا
خدا را مرا در کودکی در میان نعمتها و احسانت پروریدی



فعالیت

با مراجعه به متن دعایی که حالا نامش را می دانی، جاهای خالی را پر کن.

سَيِّدِي أَنَا الصَّغِيرُ الَّذِي رَبَّيْتَهُ، وَأَنَا الَّذِي عَلَّمْتَهُ، وَأَنَا الصَّالُّ
الَّذِي وَأَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتَهُ، وَأَنَا الْخَائِفُ الَّذِي
وَالْجَائِعُ الَّذِي أَشْبَعْتَهُ، وَ الَّذِي أَرَوَيْتَهُ، وَالْعَارِي الَّذِي
كَسَوْتَهُ، وَ الَّذِي أَعْنَيْتَهُ، وَالصَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ،

سه نعمت دست یافتنی

امام صادق علیه السلام فرمودند:

کسی که سه کار انجام دهد، از سه موهبت و بخشش محروم نخواهد شد:

۱- کسی که دعا کند از استجابات آن بهره مند خواهد شد

۲- کسی که شکر کند، بر نعمتش افزوده خواهد شد

۳- کسی که بر خدا توکل کند، کار هایش سامان می یابد.

سپس فرمودند: آیا قرآن، کتاب خداوند متعال را خوانده ای که در مورد اول

می فرماید: ادعونی استجب لکم (من را بخوانید تا شما را اجابت کنم)

و در مورد دوم می فرماید: لئن شکرتم لازیدنکم (اگر شکر نعمت

کنید، بر نعمت شما می افزایم) و در مورد سوم، می فرماید:

و من یتوکل علی الله فهو حسبه (هرکس به خدا توکل کند، او برایش کافی است).

کدام سوره ام

بگرد و پیدا کن

حرف اول هر تصویر را در مربع کنار آن بنویس
تا نام چهار سوره با نام حیوانات را پیدا کنی

□ □ ن ی ب و □ □



□ □ ق ر □ □



□ □ ی □ □



□ □ ح □ □



از سوره های کوچک قرآن هستیم.

سه آیه، چهارده کلمه و ۷۳ حرف دارم

در آیه نخستم خداوند مهربان به یکی

از قسمت های زمان در شبانه روز

قسم یاد کرده که هم نام من است.

در آیه های دوم و سوم ام آمده که:

انسان ها در زیان هستند. مگر آنهایی

که با ایمان هستند و کار های نیک

انجام می دهند. پیامبر در رابطه با من

فرمود: هرکس این سوره را بخواند

خداوند او را انسان شکیبایی در

زندگی قرار می دهد. و در قیامت با

یاران حق محشور می سازد.

اگر نام مرا حدس زدی در کادر زیر

بنویس.

من سوره ی هستم.



یادمون باشه

احکام خوردن و آشامیدن در وقت روزه

اگر عمدا چیزی بخوریم یا آبی بنوشیم روزه مان باطل می شود.

اگر عمدا چیزی که لای دندان هایمان جامانده را بخوریم، روزه مان باطل می شود.

اگر حواسمان نبود و چیزی خوردیم یا آشامیدیم، روزه باطل نمی شود. اما اگر

هنوز در دهانمان هست، نباید آن را قورت بدهیم و باید از دهان خارج کنیم.



شاپرک

کیست خاتم کار بال شاپرک؟
شاعر خوش خط خال شاپرک!
چیست توی بوی گردو های کال
لا به لای کاکل خیس بلال
آن سر آواز بلبل ها کجاست
معدن جادویی گل ها کجاست
باچه شوقی بوته ها قد می کشند
باد ها خود را به مقصد می کشند
کی به شب فانوس ماه آویخته
توی دریا آب وماهی ریخته
موی گندمزار را کی شانه کرد
ورد خواند و کرم را پروانه کرد؟
ناصر کشاورز

دعای ماه رمضان

ای بلندمرتبه، ای بزرگ، ای آمرزنده، ای
مهربان، تویی پروردگار بزرگ که چیزی
همانندش نیست و اوست شنوای بینا و این
ماهی است که به آن عظمت و ارزش و
برتری و مزیت بخشیدی و بر سایر ماهها
برتری دادی و ماهی است که روزهاش را بر
ما واجب کردی و آن ماه رمضان است که
قرآن را در آن فرود آوردی، برای هدایت
مردم و بیان دلایل روشن از هدایت و
تشخیص حق از باطل و شب قدر را در آن
قرار دادی و آن را از هزار ماه بهتر ساختی

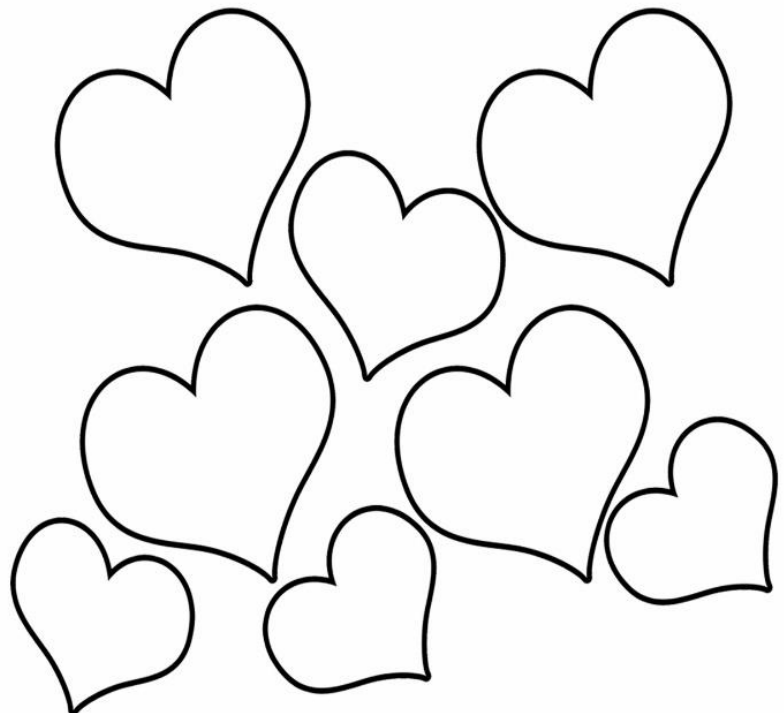
با استفاده از بارکد صوت دعا رو گوش بده



مسابقه نعمت شماری

نعمت های خدا آنقدر زیاد است که قابل شمارش نیست.
آیه ۱۸ سوره نحل

دوست خوبم ۸ تا از نعمت های خداوند را در قلب های زیر بنویس.





کدام سوره ام؟

امام صادق علیه السلام درباره ام فرمودند: سوره ای که اولش ستایش، وسطش اخلاص و آخرش نیایش است. به اسم های دیگری مانند: شکر، نور و ام‌الکتاب نیز من را می‌خوانند. هفت آیه دارم و اگر سراغ من را بگیری، در جزء اول قرآن قرار دارم. می‌توانی اسم من را حدس بزنی؟

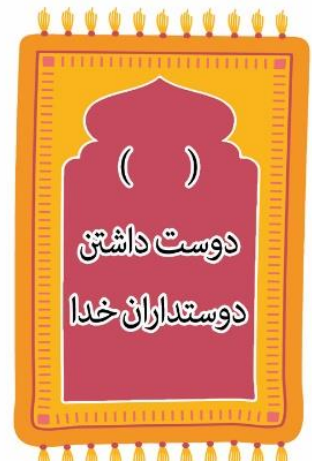
آفرین! من سوره ی هستم.

روزه تان قبول!



سجاده های رنگی

دوست عزیزم! در دعاهای مخصوص هر روز ماه رمضان، بندگان از خدا یک خواسته مهم دارند با مراجعه به ترجمه این دعاها، عدد مرتبط با هر دعا را در جای مربوطه بنویس.





اولین روزه مرجان



چه کار میکنی؟ مرجان یادش افتاد که امروز برای اولین بار، روزه گرفته و تا افطار نباید چیزی بخورد. لبخند زد و گفت: ای بابا اصلا حواسم نبود، خوب شد که صدایم کردی وگرنه نزدیک بود روزه ام باطل شود. مامان که اتاق را جارو می کرد، با شنیدن صدای بچه ها، توی آشپزخانه آمد و با لبخند گفت: اشکال ندارد دخترم، خوب است که یادت آمد. اما اگر حواست نبود و کیک را هم می خوردی، روزه ات باطل نمی شد. هنگام افطار خانواده مرجان دور سفره نشستند. بابا که هدیه مرجان را کادو کرده بود به مرجان داد. مرجان خیلی خوشحال بود که توانسته اولین روزه اش را با موفقیت بگیرد. حالا همه دستانشان را بالا بردند تا سفره افطار دعا کنند.

بابا گفت: مرجان دخترم، اول تو دعا کن. مرجان دستانش را بالا برد و گفت خدایا! کمک مان کن، تا مهمان های خوبی در این ماه برایت باشیم.

وحواسمان دیگر پرت نشود، با زبان روزه برویم سر یخچال، کیک بخوریم. همین طور که همه خنده ی شان گرفته بود، بلند گفتند: الهی آمین.

لبخند مهمان لب های هر سه تایشان شد. مامان که وسایل را آماده کرده، در سینی گذاشته بود، رو به بچه ها گفت: الان اذان می شود. زود باشید وسایل را روی سفره بچینید. بابا که مشغول پهن کردن سفره بود، گفت: به به! عجب بویی عجب عطری دارد این غذا. همگی دور سفره نشستند. سحری را دست جمعی خوردند. با شنیدن صدای اذان همگی نماز خواندند.

حدود ساعت یازده بود که مرجان از صدای قار و قور شکمش از خواب پرید. از کنار دیوار دراز حال رد شد و به آشپزخانه رسید. چه بوی خوبی از سمت یخچال می آمد. در یخچال را باز کرد. چشمش به طبقه وسط یخچال افتاد. ظرف بلوری طرح دار پر بود از کیک های شکلاتی مغزدار که مامان همیشه برای جشن تولد ها درست می کرد. ظرف بلوری مثل یک الماس در وسط یخچال می درخشید. یک کیک برداشت. اوه! کیک کاکائویی. بوی کیک حواس مرجان را به کلی پرت کرده بود. همین که کیک را سمت دهانش برد، داداش رضا وارد آشپزخانه شد و صدا زد: مرجان

با صدای مناجاتی که از تلویزیون پخش می شد، مرجان یک دفعه از خواب پرید. روی تختش نشست. مامان در آشپزخانه با ملاقه چوبی خورش را با دقت در ظرف می کشید. صدای مرجان را از داخل اتاق شنید. صدا زد: مرجان دخترم! مگر نگفتی سحر بیدارت کنیم. می خواهی امسال روزه هایت را بگیری مرجان با عجله از تخت پایین آمد. دوید توی حال و گفت: سلام، خواب موندم؟ بابا روی مبل به خودش تکانی داد. و گفت: علیک سلام دختر بابا، مبارک باشه روزه اولی من. داداش رضا زودتر از خواب بیدار شده و موهای ژولیده اش را مرتب کرده بود. جلوی روشویی ایستاده بود. به صورتش مشت مشت آب می ریخت. مرجان که برادرش را تماشا می کرد، می توانست حدس بزند که داداش رضا به خاطر ماجرای پارسال این کار را انجام می دهد. بابا متوجه نگاه مرجان شد. به رضا رو کرد و گفت: آقا رضا انگار امسال حواش حسابی جمع است که مثل پارسال موقع خوردن سحری، در مسابقه شیرجه در سطل ماست، شرکت نکند.



چیستان

شبی از شب‌های ماه رمضان که از هزار ماه برتر است؟

.....

بزرگ‌ترین معجزه پیامبر اسلام که در ماه رمضان بر ایشان نازل شد؟

.....

از خوردنی‌های افطار که اگر بر عکسش کنیم باز هم همان می‌شود؟

.....

روزی از ماه رمضان که امام حسن علیه السلام در آن روز متولد شدند؟

.....

به روزه قبل از رسیدن به سن تکلیف می‌گویند؟

.....

امام علی علیه السلام در این روز از ماه رمضان به شهادت رسیدند؟

.....








به هم وصل کن!



نام سوره‌ها را به شکل‌های مربوطه متصل کن!



نحل					
				عنکبوت	
					کهف
					
		دخان			
					سجده



یادمون باشه

کسی که به خاطر مسافرت یا مریضی روزه‌ی ماه رمضان را نگرفته، باید آن را قضا کند. یعنی برای هر روزی که روزه نگرفته باید یک روز روزه بگیرد.





دعای هزار و یک اسم

دعای جوشن کبیر دعایی هست که در شب های قدر می خوانیم، این دعا شامل هزار و یک اسم خداوند می باشد. در جدول پایین ۹ عدد از این اسم ها از متن دعا آمده است. ترجمه هر اسم را در مربع پایینش بنویس.

حبیب	شاهد	سامع	شهید	رحیم	غافر	هادی	قریب	ولی



در شب قدر چه کار کنیم؟

امیرعلی و فاطمه را به مسجد برسان

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

اعمال مشترک شب های قدر

- گرفتن احیا
- زیرات امام حسین (ع)
- دور رکعت نماز
- غسل شب قدر
- قرآن بر سر گذاشتن
- گفتن ذکر و صلوات
- دعای کبیر
- دعای اللهم انی امسیت

اعمال مخصوص شب نوزدهم

- ۱ صد مرتبه استغفر الله ربی و اتوب الیه
- ۲ صد مرتبه اللّهُمَّ العن قتلَةَ امیر المومنین
- ۳ بخواند یا ذالذی کان...
- ۴ دعای اللّهُمَّ اجعل فیما تقضی و...

اعمال مخصوص شب بیست و سوم

- ۱ تلاوت سوره های عنکبوت و روم
- ۲ هزار مرتبه سوره قدر
- ۳ خواندن و تکرار دعای اللهم کن لولیک...
- ۴ دعای اللهم امداد لی فی عمری...

اعمال مخصوص شب بیست و یکم

- ۱ دعای اللهم صل علی محمد و آل...
- ۲ لعن بر قاتل امیر المومنین
- ۳ زیارت حضرت علی علیه السلام

A maze puzzle with a mosque in the background and a boy and girl at the entrance. The maze is a purple path with several dead ends and obstacles represented by orange traffic cones. The goal is to find the path that leads to the mosque.



دانشمند کوچک

امام علی می فرماید: با عالمان و دانشمندان همنشینی کن تا.....
 برای به دست آوردن ادامه جمله حروف الفبای فارسی
 را جایگزین شماره خودش در جدول کن



دانشمند کوچک

جمله کامل امام علی علیه السلام:



لطیفه



به طرف میگوین چرا روزه نمیگیری!
میگه دم میخواد ولی مشکل دارم همیشه
بهش میگوین خوب مشکلات چی هست؟
میگه هیچی، گشتم همیشه!!!!



اینکه سر سحری پنجاه تا لیوان آب
بخوری و انتظار داشته باشی، توی روز
تشنه نشوی! این قابلیت فقط برای شتر
فعال هستش. خودتون رو منفجر نکنید.



زنگ زدم به دفتر پاسخگویی به مسائل
شرعی. پرسیدم: من داشتم توی آشپزخانه
را می رفتم، یهو پام لیز خورد و یک لیوان
آب، یه دونه کتلت، چهارتا زولبیا و بامیه
با دوتا خرما ناخواسته رفت توی دهن و
ناخواسته قورت دادم. پرسیدم الان باید
چکارکنم؟ گفت: یه استکان چایی هم
بخور که توی گلویت گیر نکنه.



رنگ آمیزی نیایش



اصول دین

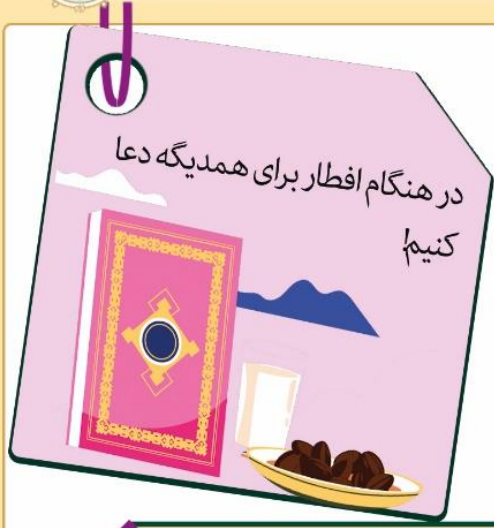
اصول دین را از میان حروف زیر پیدا کن و دور آن خط بکش، سپس با حروف باقی
مانده جمله پیامبر درباره ماه مبارک رمضان را کامل کن.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله:
ماه رمضان ماهی است که

.....
.....
.....

بهار الانوار جلد ۹۳ صفحه ۳۴۲

ت	ا	ب	ت	د	ا	ی	ن
ش	و	ر	ح	م	ت	م	ب
م	ی	ح	ا	ن	ه	ا	و
ع	ش	م	ی	غ	ف	ر	ه
ا	ت	پ	ا	د	ی	ا	ن
د	ش	ا	ز	ا	ع	د	ل
د	ی	ا	ز	ا	ت	ش	ج
ا	م	ا	م	ت	ه	ن	م



جدول بهار قرآن

سوالات

- ۱: بیست و سومین سوره قرآن کریم، جمع کلمه مومن
- ۲: بیست و نهمین سوره قرآن کریم، حیوانی که تار می تند.
- ۳: پنجاه و هشتمین سوره قرآن کریم به معنی نزاع و ستیز
- ۴: چهل و نهمین سوره قرآن کریم به معنی غرفه ها و اتاقها
- ۵: هشتاد و دومین سوره قرآن کریم به معنی شکافته شدن
- ۶: صد و دومین سوره قرآن کریم به معنی فخر فروشی



شیوه حل جدول

سوالات را پاسخ داده، حروف پاسخ ها را در جدول قرار دهید.
برای به دست آوردن رمز جدول، حروف خانه های سبز رنگ
را کنار هم بنویسید.

رمز جدول:.....

🌸					
🌸					

- ۱
- ۲
- ۳
- ۴
- ۵
- ۶



روز رهایی

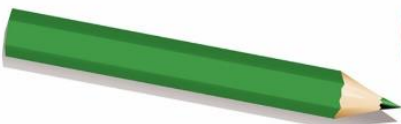
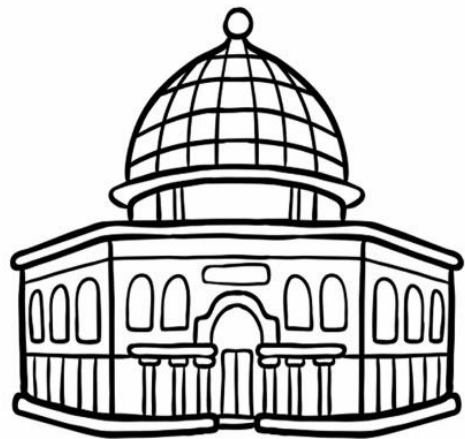
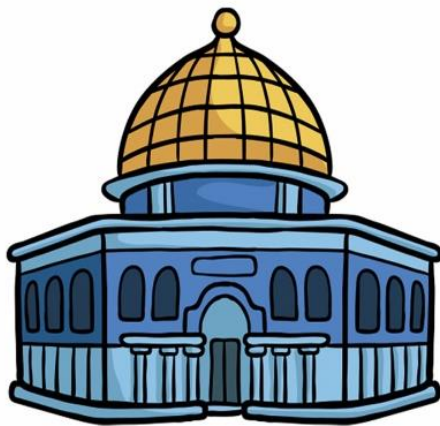
همیشه بازی دنیا همین نمی ماند
 بساط غصب در آن سرزمین نمی ماند
 به خویش آمده دنیا، زمان بیداری ست
 اسیر جهل، جهان بیش از این نمی ماند
 زمین، به گفته قرآن - که نیست غیر از حق
 همیشه در کف مستکبرین نمی ماند
 برای عبرت دنیا نوشته شد تاریخ
 چنان فمانده و هرگز چنین نمی ماند

هزار زخم به فرماندهان اگر بزنند
 چه باک؟ قافله بی جانشین نمی ماند
 به مادری که جوانش شهید گشته، قسم
 که شهر قدس، یهودی نشین نمی ماند
 نگاه کن که جهان یک صدا فلسطین است
 امام گفته و حرفش زمین نمی ماند

رنگ آمیزی



رنگ آمیزی قدس



خاطره نویسی



خاطره اولین روزه ات را بنویس!

.....

.....

.....

.....

.....

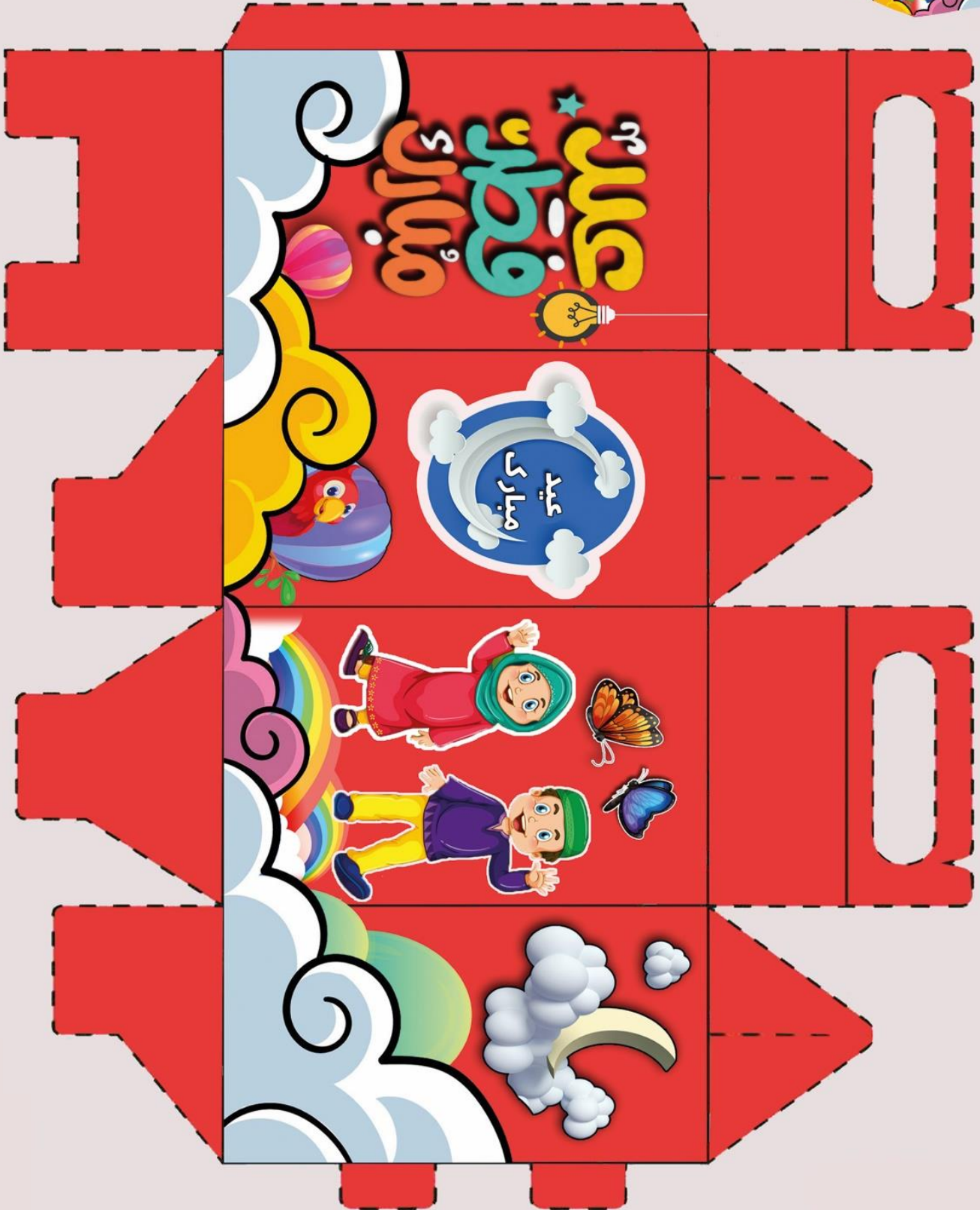
.....



.....

.....

کاردستی جعبه عید



روز مژگان



تهیه و تنظیم

گروه فرهنگی تبلیغی هدیه آسمان

www.hadyeaseman.ir